

بررسی حقوقی آزادی تحصن در نظام جمهوری اسلامی ایران با نگاهی تطبیقی به آزادی تجمع

سید احمد حبیب‌نژاد*

سیده زهرا سعید**

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۸ - تاریخ تأیید: ۹۷/۰۴/۲۱

DOI: 10.22096/law.2019.36870

چکیده

حق بر تحصن در زمره آزادیهای مدنی و آزادیهای منفی است. تحصن، تجمعی سازمان‌یافته و مسالمت‌آمیز برای بیان نظرات است که تحصن‌کنندگان به منظور دستیابی به هدف خود، در یک مکان خاص می‌نشینند. گرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به طور مشخص از واژه تحصن نامی نبرده، اما در قوانین عادی و آئین‌نامه‌ها، کلمه تحصن در موارد متعددی ذکر شده است. در واقع آزادی تحصن از مصادیق آزادیهای گروهی است و ذیل اصل بیست و هفتم قرار دارد. از منظر قانون اساسی عدم اخلال به مبانی اسلام و عدم حمل سلاح، از شروط تحصن قانونی شمرده می‌شود.

مقاله پیش‌رو، با نگاهی تطبیقی به مفهوم آزادی تجمع و شرایط آن، نخست به تحلیل مفهومی تحصن و مبانی تاریخی، نظری و قانونی آن اقدام می‌کند و از این رهگذر به بررسی حقوقی آزادی تحصن و شرایط آن، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تحصن؛ اجتماعات؛ آزادیهای گروهی؛ شرایط آزادی تحصن؛ اصل بیست و هفتم.

Email: a.habibnezhad@ut.ac.ir

* استادیار دانشکده حقوق پردیس فارابی - دانشگاه تهران «نویسنده مسئول»

Email: sz.saeid@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس فارابی - دانشگاه تهران



مقدمه

پاسداشت آزادیها به ویژه آزادی بیان در قالب فردی و گروهی همواره مطلوب شهروندان بوده است. یکی از مظاهر آزادی بیان در قالب آزادی تحسن جلوه گر می شود. در واقع، تحسن کنندگان بیان اعتراضی خود را در مقابل اقدام دولت از طریق نشستن در یک مکان خاص به نمایش می گذارند. این حق فردی که به صورت جمعی تحقق می یابد، مؤثرتر و کارا تر خواهد بود. هرچند آزادی تحسن در هیچ یک از قوانین اساسی کشورها ذکر نشده، اما در ادبیات حقوقی آنها به عنوان زیرمجموعه حق بر تجمع و حق بر اعتراض به رسمیت شناخته شده است. (OSCE Guidelines, 2010: 31) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل بیست و چهارم به مقوله آزادی بیان و در اصل بیست و هفتم به مسئله آزادی تجمعات و راهپیمایی ها اشاره کرده است.

سنت بست نشینی و تحسن، از ادوار گذشته در فرهنگ سیاسی ایران وجود داشته و به مرور زمان دستخوش تحولات مبنایی بوده و نهایتاً در عصر حاضر به اقدام اعتراض آمیز سیاسی مبدل شده است. (تهرانی کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۶) باتوجه به اینکه در سالهای پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، شاهد اعتراضاتی در قالب تحسن هستیم، لازم است که رویکرد نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در خصوص به رسمیت شناختن یا عدم رسمیت آن را استخراج کنیم؛ درحالی که تاکنون، بحث حقوقی در این رابطه صورت نگرفته که آیا در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل حق بر تحسن، غیرقانونی است یا قید غیرقانونی به عدم رعایت شرایط و ضوابط برمی گردد. در صورت پاسخ مثبت به این مسئله باید اصل را بر آزادی تحسن گذاشت و آن مواردی که غیرقانونی اعلام می شود را مختص به مواردی دانست که ضوابط و حدود تعیین شده، رعایت نشده است.

مطالعات و پژوهشهای پیشین، به مسئله آزادی اجتماعات و راهپیمایی ها و شرایط و حدود آزادیهای مزبور به نحو کلی پرداخته اند و به طور مشخص مفهوم تحسن و آزادی تحسن را مورد بررسی و تحلیل حقوقی قرار نداده اند. پژوهش حاضر، به دنبال بررسی حقوقی آزادی تحسن در نظام جمهوری اسلامی ایران از رهگذر مقایسه با آزادی تجمع است. در این راستا، سؤال اصلی تحقیق در صد پاسخگویی نسبت به این مطلب است که آیا در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، آزادی تحسن به رسمیت شناخته شده است؟ بر همین مبنا، سؤالات فرعی مطرح می شود که بررسی آنها برای پاسخگویی به سؤال اصلی ضروری است. مفهوم و ماهیت تحسن چیست؟ تفاوتها و شباهتهای

تحصن با تجمع چیست؟ مبانی نظری، تاریخی و قانونی حق بر تحصن کدام است؟ شرایط و ضوابط اعمال این حق چگونه است؟ در ادامه به تبیین و بررسی موارد فوق می‌پردازیم.

۱- تبارشناسی تحصن

تحصن از اصطلاحات رایج در ادبیات حقوقی - سیاسی عصر حاضر به شمار می‌آید. این واژه در فرهنگ‌های مختلف در عین وجود برخی تفاوتها به یک معنای مشترک به کار می‌رود. مفاهیمی نظیر، اجتماعات و تظاهرات در هم‌جواری این مفهوم قرار دارند. لازم است به منظور بررسی حق بر تحصن در نظام جمهوری اسلامی ایران، نخست به تحلیل مفهومی تحصن و مفاهیم مرتبط با این معنا بپردازیم.

۱-۱- تحصن در لغت و اصطلاح

واژه تحصن در لغت، به معنای پناه گرفتن در قلعه و در حصار شدن است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴/ ذیل واژه تحصن) تحصن ابتدا به مفهوم بست و بست‌نشینی بود، (صدرافشار، ۱۳۷۵: ذیل واژه تحصن) اما به مرور زمان، مفهوم متمایزی پیدا کرد و بیشتر در قالب اعتراض سیاسی ظاهر شد. بست‌نشینی در ابتدا به مفهوم پناه بردن افراد مجرم یا مغضوب یا مظلوم به مکان محترم و غالباً مقدس برای دادخواهی یا مصون ماندن از تعرض بود. ترمینولوژی حقوق دکتر جعفری لنگرودی، تحصن را بدین نحو تعریف کرده است: «موضع گرفتن یک یا چند نفر یا یک گروه در اماکن عمومی یا در محلی که مصونیت سیاسی دارد، به عنوان بازتاب علیه دولت، به امید آنکه به شکایت آنان برسند.» فرق تحصن با بست‌نشینی از نظر دکتر جعفری لنگرودی در موارد ذیل است: اول، در مورد بست، تکیه به احترام عقیدتی محل زده می‌شود به عکس اماکن تحصن؛ دوم، تحصن برای تظلم است ولی بست‌نشینی برای فرار از پیگرد است، مانند پناه بردن مجرم به حرم؛ سوم، بست‌نشین، متجاوز از قانون است ولی متحصن مورد ستم (ولو به اعتقاد خویش) قرار گرفته است و تجاوز از قانون نکرده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۱/ش/۴۳۱۰)

در فرهنگ لغات، تحصن (sit-in) بدین صورت تعریف شده است: «اعتراض منفعلانه و سازمان‌یافته‌ای است که معترضین، یک مکان عمومی را اشغال می‌کنند و از ترک آن امتناع می‌کنند.» (Oxford Advanced Dictionary, 2005: 1428) همچنین در جای دیگر، تحصن چنین تعریف شده است: «مراسمی که گروه زیادی از مردم علیه مسئله‌ای اعتراض می‌کنند، اعتراض آنان به نحوی است که در یک مکان عمومی می‌نشینند و تا شنیده شدن صدایشان آنجا را ترک نمی‌کنند.» (Longman Advanced American Dictionary, 2007: 1482) به

عبارتی تحسن، یک نمایش اعتراضی است که در آن، شرکت کنندگان در یک مکان خاصی می‌نشینند و از حرکت کردن، امتناع می‌کنند. (OSCE Guidelines, 2010: 121)

۲-۱- مفاهیم مرتبط

یک مفهوم با توجه به عناصر تشکیل دهنده خود با مفاهیم دیگری ارتباط معنایی برقرار می‌کند. مذاقه و تحلیل صحیح از یک مفهوم بدون در نظر گرفتن مفاهیم مرتبط و بررسی عناصر مشترک و متمایز آن، امکان‌پذیر نیست. مفاهیم مرتبط با تحسن، شامل اجتماعات و تظاهرات می‌شود که در ذیل اجمالاً به تبیین آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۱- اجتماعات

به لحاظ عناصر تشکیل دهنده مفهوم اجتماعات، این معنا قرابت زیادی با مفهوم تحسن دارد. اجتماع نوعی گردهمایی سازمان‌یافته و متمایز با ازدحام است. این گردهمایی موقت و با هدف خاص به منظور تبادل دیدگاهها و عقاید مشترک در مکان خصوصی یا عمومی غیر از معابر عمومی تشکیل می‌شود. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۸) در تعریف دیگر آمده است: «حضور داوطلبانه و موقت تعدادی از افراد در مکان عمومی غیر سرپوشیده برای یک هدف عمومی». (OSCE, 2010: 116 Guidelines)

۲-۲-۱- تظاهرات

این مفهوم مبین آن است که، گروهی از افراد به نحو سازمان‌یافته در معابر عمومی به منظور بیان خواسته‌ها یا عقایدی که ممکن است جنبه سیاسی، اجتماعی و مذهبی داشته باشد، حضور می‌یابند. این گردهمایی مانند مورد قبل، موقتی و گذراست، اما روشهای اعمال آزادی تظاهرات، باعث تمایز آن با اجتماعات می‌شود؛ نخست آنکه، تظاهرات در معابر عمومی و در فضای باز برگزار می‌شود؛ علاوه بر این، تظاهرات، برخلاف اجتماعات، اصولاً چهره طلبکارانه و معترضانه دارد؛ گرچه ممکن است در تظاهرات خطابه‌ای هم با صدای بلند ایراد شود، اما تظاهرات محملی برای مباحثه و تبادل نظر نیست؛ تظاهرات معطوف به عمل است. (دوفار، ۱۳۹۱: ۴۲)

۳-۲-۱- اعتصاب

اعتصاب (strike)، بنا به تعریف برخی حقوق‌دانان حقوق کار، عبارت است از: «قطع کار به صورت دسته‌جمعی و هماهنگ از ناحیه کارگران برای تحت فشار قراردادن کارفرما یا مقامهای عمومی برای رسیدن به خواسته‌های خود». (عراقی، ۱۳۸۱: ۲۶۸) در تعریف اعتصاب، برخی از نظام‌های حقوقی، قطع کار به صورت دسته‌جمعی را مستلزم قصد فعل توسط کارگران یا کارمندان در این

خصوص می‌دانند، در حالیکه برخی از کشورها، صرف دست کشیدن دسته جمعی را، فارغ از قصد آن، اعتصاب تلقی می‌کنند. (Waas, 2012: 4-5) هرچند مطابق با قوانین برخی از کشورها، اعتصاب در خصوص کارمندان بخش عمومی نیز مطرح است^۱، ولی از منظر مقررات قانونی ما، این حق برای کارمندان به رسمیت شناخته نشده است.

۳-۱- مقایسه تحصن و مفاهیم مرتبط

اجتماع، اقدامی هدفمند تلقی می‌شود؛ زیرا که، تبادل نظر و عقیده در آن صورت می‌گیرد؛ به همین دلیل اجتماع، متصف به وصف اندیشمندی است. در تظاهرات تبادل نظر صورت نمی‌گیرد، بلکه مطالبات جمعی از طریق تظاهرات به نمایش گذاشته می‌شود. تحصن نیز مانند اجتماع حرکتی هدفمند است؛ اما، تفاوت آن با اجتماع از این حیث، آن است که در تحصن، اجتماع صورت گرفته تا زمان وصول به هدف و تحقق خواسته‌های تحصن‌کنندگان ادامه پیدا می‌کند.

چنانچه در تعریف تحصن گذشت، تحصن یک اقدام منفعلانه است که ممکن است با در دست داشتن تابلو و پلاکارد نیز همراه باشد، اما به هر حال، یک اقدام غیرفعالانه محسوب می‌شود؛ برخلاف اجتماعات که همراه تبادل نظر و عقیده است. در تظاهرات نیز، راهپیمایی همراه با سر دادن شعار صورت می‌گیرد؛ لذا در هر دو مورد برخلاف تحصن، شاهد پویایی، تحرک و جنبش هستیم.

از ابتدای ظهور سنت بست‌نشینی و تحصن، عنصر مکان جایگاه خاصی در تحقق این حرکت داشته است. هم در زمانی که افراد به سبب دادخواهی و تظلم‌خواهی در جوار اماکن مقدس بست می‌نشستند و هم زمانی که تحصن ماهیت سیاسی به خود گرفت و افراد در مکانهای سیاسی مانند سفارتخانه‌ها، تحصن می‌کردند، وجود یک مکان خاص، عنصر مشترک بوده است؛ لذا، باید گفت که تحصن مکان محور است. اما در تجمعات لزوماً مکان موضوعیت ندارد، بلکه در جایی برگزار می‌شود که پیام تجمع‌کنندگان به سایرین رسیده شود.

تحصن‌کنندگان به دلیل آنکه تا وصول به هدف پایداری می‌کنند، ممکن است تا چند روز در مکان معین به تحصن خود ادامه دهند؛ با این حال، تحصن از تجمعات و گروه‌بندی‌های موقت به حساب می‌آید؛ زیرا، فاقد مؤلفه‌های گروه‌بندی نهادی است. گروه‌بندی‌های نهادی، اشخاص را پیرامون یک اندیشه گرد هم جمع کرده و تلاش می‌کند تا این اندیشه را از طریق یک سازمان

دائمی محقق کند. داشتن زمان (به‌منزله عنصر پایداری و تداوم) و سازمان، دو ممیزه اجتماعات دائمی از موقتی قلمداد می‌شود؛ در حالی که ما در تحصن، شاهد زمان پایدار و تشکیلات منسجم به منظور دستیابی به هدف نیستیم.

در مقام مقایسه میان مفهوم تحصن و اعتصاب باید بیان داشت که، هرچند حق بر اعتصاب نیز از زمره حق‌های بشری و حق‌های منفی است و همانند تحصن از حق بر اعتراض سرچشمه می‌گیرد؛ لیکن، ممیزه اصلی این دو مفهوم، لزوم وجود رابطه تبعیت و در واقع رابطه کارگری و کارفرمایی در اعتصاب است، در حالی که در مفهوم تحصن چنین رابطه‌ای لزوم ندارد.

۲- مبانی حق بر تحصن

مبانی حق بر تحصن را از ابعاد و حیثیات مختلفی می‌توان مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. مفهوم حق بر تحصن به لحاظ نظری، تاریخی و قانونی قابل طرح و بررسی است که بخشی از مقاله پیش‌رو به آن اختصاص پیدا کرده است.

۲-۱- مبانی تاریخی حق بر تحصن

در ایران سنت بست‌نشینی از دیرباز به عنوان شیوه‌ای برای بیان مخالفت و اعتراض نسبت به اقدامات دولت وجود داشته است، البته فلسفه آن دچار تغییر و تحول شده است؛ بدین معنا که، شهروندان در ابتدا به منظور دادخواهی بست می‌نشستند، اما با تحولات سریع و رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی که عمده‌تاً در اثر تماس با غرب صورت گرفت، مکانهای امن و خاص، محل اعتراضات سیاسی علیه دولت شد. همچنین برخی از مراکز همچون سفارت‌خانه‌ها و تلگراف‌خانه‌ها که به عنوان مراکز تبلیغاتی کشورهای خارجی شناخته شده بودند، به محل تحصن مخالفان دولت تبدیل شد. در ایران، مردم برای رفع ظلم، پناهنده به جایی می‌شدند و در تمامی ایام از صدر اسلام مخصوصاً در زمان صفویه، اماکن مقدسه مانند مقابر ائمه و امامزادگان و مساجد مهمه نزد سلاطین محترم بود و اشخاصی که پناهنده به این اماکن می‌گردیدند، در صورتی که ظالم بودند، در مجازات آنها مساهله می‌شد تا از بست بیرون آیند و اگر مظلوم بودند به عرایض آنان رسیدگی می‌کردند و نشستن بست ناشی از نبودن قانون و عدالت بود. (تهرانی کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۴)

تغییر در فلسفه بست‌نشینی از اواسط دوره قاجار رخ داد. در دوره ناصرالدین‌شاه، اعتراضات سیاسی در قالب تحصن بیشتر شد. مهم‌ترین تحصن‌های سیاسی، در دوره قاجار و قبل از مشروطیت بود که در پیروزی نهضت مشروطه اثر مهمی داشت و اجتماع مردم در مجالس عزاداری ایام محرم،

فرصت مناصبی بود تا آزادی‌خواهان، مردم را به مخالفت با دولت تشویق کنند؛ لذا، جمعی از علمای تهران مانند: بهیهمانی، طباطبایی، سیدمرتضی آشتیانی، میرزاصطفی آشتیانی، شیخ محمدصادق کاشانی و تعدادی دیگر از آزادی‌خواهان، اقدام به نخستین تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم نمودند. (انصاری، ۱۳۷۶: ۸۲-۸۳) از جمله موارد دیگر، تحصن تجار در سفارت انگلیس به منظور درخواست از مظفرالدین‌شاه برای تأسیس مجلس و برای اجرای احکام شرع و برقراری عدل و آزادی بود. (خالصی، ۱۳۶۶: ۱۶۳-۱۷۰)

در حکومت رضاشاه تحصن موقوف شد. وی رسم قدیمی بست‌نشینی و تحصن در اماکن مقدس را از اهمیت انداخت. (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۱۷۵) در دوره محمدرضا شاه، عده‌ای از رجال در اعتراض به انتخابات دوره پانزدهم مجلس، در دربار، تحصن کردند. از دیگر نمونه‌ها، تحصن اساتید دانشگاه در محوطه دانشگاه تهران و تحصن روحانیون در مسجد دانشگاه تهران در اعتراض به عملکرد حکومت در جلوگیری از ورود امام خمینی (ره) صورت گرفت. در این دوره به دلیل آنکه اعتراض سیاسی مسالمت‌آمیز مانند تحصن، اثر نداشت، اعتراضات بیشتر به صورت تظاهرات و درگیری‌های مستقیم مردم و حکومت درآمده بود.

به‌صورت امروزی، شیوه اعتراض مسالمت‌آمیز در قالب نشستن در یک مکان و امتناع از ترک آن، در غرب برای اولین بار توسط چهار دانشجوی سیاه‌پوست در سال ۱۹۶۰ میلادی رقم خورد. این اعتراض، واکنشی نسبت به تبعیض نژادی بود؛ زیرا، در گرینزبور^۱ محل نشستن سیاه‌پوستان و سفیدپوستان در رستوران از هم متمایز بود. دامنه اعتراضات به نقاط اطراف گرینزبور نیز کشیده شد؛ به دلیل آنکه در آن نقاط هم، سیاست تبعیض نژادی و تفکیک محل‌های عمومی برای سیاه‌پوستان اعمال می‌شد. این اعتراضات در نهایت منجر به الغای سیاست تفکیک شد و سرمشق حرکتها و جنبشهای سالهای بعد قرار گرفت.^۲

۲-۲- مبانی نظری حق بر تحصن

حق بر تحصن از جمله حق‌های منفی است؛ به این معنا که، مستلزم عدم دخالت دولت در جریان اعمال آن است. (Heyman, 1992: 82) البته منفی بودن این حق و تعهد دولت به عدم مداخله، مانع از آن نیست تا دولت را ملزم بدانیم که اولاً، آن‌را شناسایی کند؛ ثانیاً، اقدامات حمایتی برای

۱. گرینزبور (Greensboro): شهری در ایالت کارولینای شمالی در آمریکا است.

2. see also: Cohen, 2013: 34-50

اعمال‌کنندگان آن در نظر گیرد. آزادی تحصن به عنوان زیرمجموعه آزادی اجتماعات، در کنار آزادی بیان، مطبوعات و مذهب جزء آزادیهای مدنی کلاسیک است. این نوع آزادیها در برگیرنده مجموعه‌ای از حقوق منفی است که ریشه در دکتترین حقوق بشر داشته و خواستار عدم مداخله از سوی حکومت است؛ (هیوود، ۱۳۸۷: ۵۷) از منظر دیگر، حق بر تحصن در زمره حقوق نسل اول به شمار می‌رود. ملاک اصلی نسل نخست حقوق بشر، آزادی و حقوق مدنی و سیاسی است که تضمین‌کننده امنیت و آزادی انسان در برابر قدرت عمومی و دیگر افراد است. (عباسی، ۱۳۹۰: ۶۴) از میانه قرن هجدهم تا میانه قرن نوزدهم، این حقوق شامل آزادیهای فردی بود، مانند آزادی عقیده و بیان؛ اما، از میانه قرن نوزدهم تا میانه قرن بیستم، به آزادیهای فردی، آزادی جمعی نیز افزوده شد، مانند آزادی اجتماعات و تشکل.

حق بر تحصن از جمله حق‌های گروهی است.^۱ آزادی گروهی قدرتی است که برای اشخاص به رسمیت شناخته شده تا از طریق آن بتوانند به صورت دسته‌جمعی اقداماتی را انجام داده و احتمالاً برای رسیدن به اهداف مورد نظر، فعالیت خود را سازماندهی کنند. هنگامی که یک عمل فردی توسط افراد دیگر تکرار و بازتولید شود، ماهیت حقوقی آن عمل تغییر می‌کند؛ به عنوان مثال، توقف کار توسط یک حقوق بگیر، به تنهایی، اعتصاب به شمار نمی‌رود. (دوفار، ۱۳۹۱: ۲۵) آزادی تحصن ماهیتاً حق و آزادی فردی است، اما به صورت شکلی باید در یک جمعیت و گروه متجلی شود تا به تحقق برسد و این دو مفهوم یعنی فرد و گروه برای اجرایی شدن این آزادی در گرو هم هستند. در واقع آزادی اجتماعات حقی فردی است که برای تحقق خارجی آن به جمع و گروهی از افراد نیاز است.

آزادیهای گروهی مشتمل بر دو دسته موقتی یا زودگذر و دائمی یا نهادی است. گروه نخست، از آن‌رو موقتی و زودگذر نامیده می‌شود که عموماً بیش از چند ساعت طول نمی‌کشند. در بسیاری از این موارد، تعاملات افراد با پایان تجمع خاتمه می‌یابد و تعهد به شرکت دوباره وجود ندارد. گروه‌بندی‌های نهادی، افراد را پیرامون یک اندیشه گرد هم جمع کرده و تلاش می‌کند تا این

۱. هر چند تحصن در بُعد فردی در معنای کهن آن بیشتر متجلی بود، اما تحصن به معنای نوعی اعتراض نیز امروزه قابل تحقق است که می‌توان آن را در قالب نمایشی از آزادی بیان دانست. لیکن، آنچه بیشتر قابل تأمل است و حساسیت دولتها را بیشتر برمی‌انگیزد و دارای اثرات و پیامدهای سیاسی و حقوقی است، تحصن در قالب دسته‌جمعی است. به همین مناسبت مراد مقاله از مفهوم تحصن، تحصن در قالب دسته‌جمعی است.

اندیشه را از طریق یک نهاد دائمی مانند انجمن یا حزب محقق کنند؛ لذا، حق بر تحصن از جمله گردهمایی‌های موقت قلمداد می‌شود.

تأملی در ماهیت آزادیهای گروهی، نشان‌دهنده آن است که این آزادی، ریشه در آزادیهای فردی دارند؛ یعنی، مینا و خاستگاه آنها به نوعی به آزادیهای فردی باز می‌گردد؛ به عنوان مثال، شاید بتوان همه آزادیهای گروهی را به نحوی به آزادی اندیشه و بیان پیوند داد. از این‌رو، شناسایی و تضمین آزادی تجمع و تظاهرات در حقیقت، به منزله شناسایی و تضمین آزادی اندیشه و بیان در ساحت گروهی و اجتماعی است. این آزادیها را می‌توان آزادیهای فردی انباشته و مترکمی دانست که قدرت آنها چندین برابر شده و اثرگذاری آنها مطمئن‌تر است. (دوفار، ۱۳۹۱: ۱۰)

آزادی اجتماعات از جمله آزادیهایی است که از یک بُعد موضوعیت و از بُعد دیگر طریقت دارد. آزادی اجتماعات علاوه بر اینکه خود حقی است مستقل، ابزاری برای تحقق سایر حقوق و آزادیها از قبیل آزادی بیان، اندیشه و تفکر است. (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳: ۱۸۹) جمع در واقع ابزاری است برای ابراز عقیده؛ زیرا، اجتماع کردن در واقع خود، نوعی بیان است، حتی اگر با سکوت همراه باشد. شاید بتوان گفت، در روزگاری که افکار عمومی فعال و ابراز شونده، بسیار تأثیرگذار و محور توجهات سیاسی است، تجمع مؤثرترین و بالفعل‌ترین و زود بازده‌ترین نوع ابراز عقیده است. (خلخالی، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۴)

در مجموع باید گفت، حق بر تحصن از سویی به حق بر تجمع (right to assembly) و آزادیهای گروهی (collective liberation) و از سوی دیگر به حق بر اعتراض (protest to right) باز می‌گردد. (Smith, 1971: 15) حق‌های مزبور، خود، برگرفته از حقوق و آزادیهای بنیادینی مانند آزادی بیان و آزادی عقیده است.

۳-۲- مبانی قانونی حق بر تحصن

تصویب قانون اساسی مشروطه، نقطه عطفی برای تحدید قدرت و حفظ حقوق و آزادیهای عمومی بود. چنانچه متمم قانون اساسی مشروطیت در فصل حقوق ملت، از اصل آزادی اجتماعات یاد کرده است. اصل بیست‌ویکم متمم قانون اساسی مشروطه، در این خصوص مقرر می‌دارد: «انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است؛ ولی مجتمעים با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند، باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند.»

این اصل ضمن به رسمیت شناختن آزادیهای گروهی اعم از دائمی و موقت، عدم حمل سلاح و عدم اخلال به نظم عمومی وسایر ضوابط که توسط قانون معین می‌شود را به عنوان شرط محدودکننده آزادیهای گروهی برشمرده است. در اصل مزبور از کلمه تحصن نام نبرده است و به طور کلی آزادیهای گروهی را به رسمیت شناخته است.

در پیش‌نویس قانون اساسی، اصل بیست‌وهفتم بدین نحو تنظیم شده بود: «تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز آزاد است و مقررات مربوط به اجتماع و راهپیمایی در خیابانها و میدانها به موجب قانون معین خواهد شد.»

در نهایت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با اختصاص اصول متعدد بالاخص فصل سوم با عنوان حقوق ملت، به حقوق و آزادیهای عمومی توجه و اهتمام ویژه‌ای ورزید. یکی از مهم‌ترین حقوق و آزادیهای عمومی، اصل آزادیهای گروهی در قالب حق بر اجتماعات و حق بر انجمنها است. اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی در رابطه با آزادی تجمعات مقرر می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» چنانچه مشاهده می‌شود، کلمه تحصن نه در پیش‌نویس قانون اساسی و نه در متن نهایی آن ذکر نشده است. با این وجود، کلمه تحصن در قوانین عادی و آئین‌نامه‌ها آمده است. در ذیل به نمونه‌هایی که در آنها، واژه تحصن به صراحت آمده است، اشاره می‌کنیم:

در قانون تخلفات اداری^۱ و قانون هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری^۲، شرکت در تحصن‌ها، تظاهرات و اعتصابات غیرقانونی و تحریک در ایجاد این امور، از جمله تخلفات اداری محسوب شده است. در قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، ارتکاب اعمال مغایر با مصالح نظام جمهوری اسلامی از قبیل موارد غیر قانونی اعتصاب و تحصن و تظاهرات، در زمره جرایم سیاسی و نظامی قرار دارد.^۳ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، اعتصاب و تحصن و تظاهرات به طور غیرمجاز در محیط دانشگاه را از موارد تخلفات انتظامی قلمداد کرده است.^۴ علاوه بر قوانین

۱. ماده ۸ بند ۲۳ و ۲۴.

۲. ماده ۹ بند ۲۰ و ۲۱.

۳. ماده ۱۵ شماره ۵ بند (ب).

۴. ماده ۷ بند ۱۶.

مزبور، آئین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی، به صراحت تحصن را جز مراسم قانونی برشمرده است.^۱ در دستورالعمل تفویض اختیارات وزارت کشور به استانداران در خصوص صدور مجوز برگزاری تجمعات، نخست بیان شده که، منظور از برپایی تجمع، تجمعات مذکور در قانون احزاب و آئین‌نامه اجرایی آن است.^۲ مراد از تجمعات مذکور در قانون احزاب اجتماعات و راهپیمایی است.^۳ این دستورالعمل در ادامه بیان می‌کند که تجمعاتی که تحت عناوین نظیر تحصن برگزار شود، اما دارای ماهیت سیاسی باشد، از نظر این دستورالعمل تجمع تعریف می‌شود.

۳- وجاهت حق بر تحصن در پرتو قانون اساسی

۱- برای بررسی وجاهت حقوقی تحصن، در ابتدا باید در پرتو دو مبنای مختلف در خصوص حقوق و آزادیهای عمومی موضوع را بررسی نمود:

الف - دیدگاه اعلامی بودن ذکر حقوق و آزادیهای عمومی در اعلامیه‌ها و قوانین اساسی:

برخی صاحب‌نظران معتقدند که ذکر حقوق و آزادیهای عمومی در اعلامیه‌ها و قوانین اساسی، یک اقدام تأسیسی نیست، بلکه اقدام اعلامی است. اقدام اعلامی یک عمل حقوقی است که حق را اعلام و بیان می‌کند. عمل اعلامی حق را وضع و یا ایجاد نمی‌کند، بلکه حق یا وضعیت حقوقی موجود و معینی را اعلام و بیان می‌کند که بر آن آثار حقوقی مترتب است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۲۰۶) بر این مبنا، وجود حقوق و آزادیها محرز و ثابت است و ذکر آنها در اسناد، موجب می‌شود که محلی برای اعتراض و مناقشه باقی نماند؛ لذا، در صورت عدم ذکر آن در اسناد و قوانین اساسی، باز هم قابلیت استناد دارند؛ به عبارتی، عدم تصریح در قانون به منزله عدم قابلیت استناد نیست، بلکه وجود اصل آن حقوق و آزادی به مبانی حق‌ها باز می‌گردد. این نظر که به دیدگاه لئون دوگی در باب حقوق بشر باز می‌گردد، به دیدگاه فوق دستوری حقوق و آزادیها معروف شده است. مطابق این دیدگاه، حقوق بشر در مرتبتی فوق سلسله‌مراتب حقوقی و بالاتر از قانون اساسی است. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۱۸۶)

۱. ماده ۱ بند (ت).

۲. ماده ۱ بند (ه).

۳. تبصره ۲ ماده ۶.

مطابق چنین رویکردی به حقوق و آزادیها، حق بر تحسن که ملهم از حقوق و آزادیهای بنیادینی نظیر آزادی بیان و حق بر اعتراض و حق بر اجتماع است، فارغ از ذکر یا عدم ذکر در قانون اساسی مقبول و مورد حمایت است و اصولاً نیازی به بررسی متن قانون اساسی در این خصوص نیست.

ب- دیدگاه تأسیسی بودن ذکر حقوق و آزادیهای عمومی در اعلامیه‌ها و قوانین اساسی:

در مقابل گروه اول، عده‌ای بر این عقیده هستند، برای آنکه حقوق و آزادیهای عمومی قابلیت استناد پیدا کند، باید لزوماً در قوانین اساسی ذکر شود. در واقع قوانین اساسی نقش تأسیسی برای حق‌ها ایفا می‌کنند. این دسته با عنایت به رسالت قانون اساسی که همانا تنظیم قدرت و تضمین آزادیهاست، معتقدند شایسته‌ترین تدبیر برای حفظ و پاسداشت حقوق و آزادیهای عمومی، تنقیح آنها در متن قانون است تا از این طریق، ضمانت اجرای مستحکم‌تر و مطمئن‌تری را دارا باشد؛ لذا، حقوق و آزادیهای مورد قبول در یک جامعه، لزوماً باید در قانون اساسی آن کشور تصریح شده باشد. بر این مبنا، برای آنکه بدانیم حق بر تحسن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارای وجهت قانونی است یا نه، باید به متن قانون اساسی مراجعه کنیم.

۲- بر فرض پذیرش نظریه دستوری پیرامون حقوق و آزادیها، مرجع اصلی بررسی ما، قانون اساسی خواهد بود. در متن قانون اساسی کلمه تحسن نیامده است، اما نزدیک‌ترین اصل در این خصوص، اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی است. اصل مزبور، مقرر می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». در واقع، این اصل به آزادیهای گروهی موقت و حق بر گردهمایی و تجمع اشاره می‌کند و به دو مصداق گردهمایی یعنی اجتماعات و راهپیمایی اشاره کرده است. ممکن است این ادعا مطرح شود که هرچند در قانون اساسی، آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها به رسمیت شناخته شده، اما از آزادی تحسن نامی برده نشده است؛ در حالی که، قانونگذار اساسی در مقام بیان بوده و اگر مراد وی قبول آزادی تحسن بود، لازم می‌آمد که آن را نیز در کنار اجتماعات و راهپیمایی‌ها ذکر کند. در واقع، در این وضعیت، ما در سعه و ضیق اصل بیست‌وهفتم دچار تردید و ابهام هستیم؛ بدین معنا که، آیا مفهوم تحسن ذیل اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی جای می‌گیرد یا خیر. به منظور کشف مراد مقنن، ابتدا به قرائن و شواهد موجود همچون مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی مراجعه می‌کنیم. در مشروح مذاکرات قانون اساسی، در خصوص شروط آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها صحبت مفصلی به میان آمده و در رابطه با مصادیق آزادیهای گروهی بحثی مستقل

صورت نگرفته است؛^۱ البته یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی درباره اجتماعات و راهپیمایی‌ها، این مطلب را بیان می‌کند که راهپیمایی یک نوع اجتماع است؛ اجتماعات نشسته، اجتماعات ایستاده و اجتماعات متحرک. این امر مشعر این مطلب است که، کلمه «راهپیمایی» در واقع، به عنوان مصداق بارز اجتماعات ذکر شده و نافی شمول مصادیق دیگر ذیل بحث آزادی اجتماعات نیست. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۷۱۱/۱) به علاوه اینکه، در خلال مباحث از واژه‌های «سخنرانی» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۷۱۶) و «اعتصاب» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۷۱۸) در مجاورت «راهپیمایی و اجتماعات» استفاده شده و جزء مصادیق اجتماعات به حساب آمده است. بر این اساس، تحصن را می‌توان یک نوع اجتماع نشسته و غیرمتحرک قلمداد کرد؛ بنابراین، هرچند مشروح مذاکرات به حق بر تحصن تصریح نمی‌کند، اما قرائن موجود تلویحاً مثبت این حق نیست.

۳- در تفسیر و رفع ابهام از اصول قانون اساسی لازم است که به اصول حاکم بر حقوق عمومی نیز توجه و التفات داشت. یکی از اصول پایه‌ای در حقوق عمومی، اصل آزادی شهروندان در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌هاست. حقوق عمومی با محور قرار دادن حقوق اساسی، بر دو اصل بنیادین مبتنا یافته است؛ تضمین آزادی افراد و تنظیم اقتدار فرمانروایان. با این توضیح که، درحالی که، اصل بر عدم صلاحیت زمامداران بوده و قدرت و اختیار آنها محدود است؛ افراد و شهروندان اصولاً از آزادی برخوردارند و تنها در صورت تحدید حدود این آزادی از طریق قانون، می‌توان آزادی آنان را محدود قلمداد نمود. پس، درحالی که مقامات عمومی در صورت تصریح قانونگذار دارای ابتکار عمل و صلاحیت هستند و اصل بر عدم صلاحیت آنان است، شهروندان دارای آزادی عمل و اختیار بوده و اصل بر ابتکار عمل ایشان است. با مبنا قرار دادن اصل آزادی شهروندان، می‌توان به قانونی بودن و به رسمیت شناختن حق تحصن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد یافت.

۴- اگرچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از واژه تحصن نامی برده نشده است، لیکن چنانچه پیش از این گفته شد، در قوانین عادی و آئین‌نامه‌ها که به صورت جزئی‌تر به مسئله آزادی تجمعات پرداخته، در موارد متعددی از کلمه تحصن استفاده شده است. در این موارد، کلمه تحصن

۱. برای توضیحات بیشتر مراجعه کنید به:

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱ و ۳، تهران، مؤلف. (ج ۱/صص ۶۸۵-۶۸۳ و ۷۲۰-۷۱۰؛ ج ۳/صص ۱۷۶۱-۱۷۶۰ و ۱۷۹۸-۱۷۹۷)

در هم‌نشینی با واژه‌های «تظاهرات و اعتصاب» به همراه قید «غیرقانونی» مشاهده می‌شود. در واقع، قید «غیرقانونی» به دلیل عدم رعایت محدوده‌ها و شرایط تحصن، تظاهرات و اعتصابات بوده نه آنکه تحصن، تظاهرات و اعتصاب از اصل، غیرقانونی باشد. علاوه بر اینکه بند (ت) ماده ۱ آئین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی، به صراحت تحصن را مصادیقی از مصادیق مراسم قانونی برمی‌شمرد.

۵- با نگاهی به قوانین اساسی کشورها می‌توان دریافت که، در اکثر قوانین اساسی از حق بر اجتماعات و آزادی آن صحبت شده، درحالی‌که در هیچ‌یک از قوانین اساسی کشورها، کلمه تحصن نیامده است؛ با این وجود، تحصن در این کشورها به عنوان یک حق مدنی (civil right) و یک شیوه اعتراضی پذیرفته شده است. برای نمونه، هرچند در ادبیات حقوقی و رایج فرانسوی واژه تحصن (sit-in) به کار می‌رود، اما در ادبیات قانونی این کشور وارد نشده است. کلیه اشکال اعتراض در فرانسه با عنوان تظاهرات (manifestation) شناخته می‌شود که بخشی از نافرمانی مدنی (civil disobedience) است و ورای نوع و شکل آن، دارای قوانین یکسانی است. در اسناد بین‌المللی نیز، از حق بر تجمعات به نحو کلی، صرف‌نظر از مصادیق و انواع آن یاد شده است؛ به عنوان مثال، ماده بیست‌ویکم و بیست‌ودوم میثاق حقوق مدنی و سیاسی که از حق بر اجتماعات نام برده، بیان می‌کند: «حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود؛ اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد، جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد؛» و «هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران را دارد از جمله حق تشکیل سندیکا و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.»

۶- چنانچه در مقایسه میان مفهوم تحصن و اجتماعات و تظاهرات گذشت، تحصن با مفاهیم مزبور، دارای تمایزات و تفاوت‌هایی است، لیکن تفاوت‌های گفته شده، همگی شکلی و صوری است؛ به عبارتی، هرچند برخی عناصر تشکیل‌دهنده مفهوم تحصن به لحاظ شکلی متفاوت از تجمعات و تظاهرات است، اما این تمایزات به ماهیت یکسان این مفاهیم خدشه‌ای وارد نمی‌کند. در واقع، باید اذعان داشت که تحصن، اجتماعات، تظاهرات و راهپیمایی‌ها، همگی از مصادیق آزادیهای گروهی موقتی و حق بر تجمع است. بنابراین، به استناد اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی، حق بر تحصن نیز در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است و موارد غیرقانونی آن منوط به مواردی است که ضوابط تعیین شده رعایت نمی‌شود.

۴- محدودیتها و شرایط حق بر تحصن

اکثر حقوق و آزادیها در شرایطی با محدودیتهایی مواجه می‌شوند.^۱ اغلب حقوق و آزادیهای بنیادین در برخورد با مفاهیمی چون نظم عمومی یا سود همگانی یا در مقام تعارض با یک حق یا آزادی دیگران از قابلیت نسبی شدن برخوردارند. (گرجی، ۱۳۸۳: ۱۷) حقوق و آزادیها در عین جهان‌شمولی، مطلق نیستند، بلکه مقید به قیودی همچون نظم عمومی، امنیت ملی، سلامت عمومی، اخلاق عمومی و حقوق و آزادیهای دیگران هستند. تنها شاید چند حق را بتوان برشمرد که بدون هیچ قید و شرطی وجود دارند، مانند منع شکنجه. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱: ۱۳) آنچه مایه ایجاد شکاف بین نظامهای حقوقی است، نه مطلق‌گرا بودن یکی و محدودیت‌گرا بودن دیگری است. مادهٔ نزاع، به ترسیم قلمرو نسبت و حد و مرز محدودیتهای وارد بر آزادی بنیادین و مهم‌تر از آن به روش تعیین این محدودیتهای مربوط می‌شود. (گرجی، ۱۳۸۳: ۲۰) لذا، اصل تحدید و وجود شرایط، برای استیفا حق بر تجمع در اکثر کشورها وجود دارد.^۲ علی‌رغم پذیرش اصل تحدید و ترسیم خطوط برای حقوق و آزادیها، به هیچ‌روی امکان سلب حقوق و آزادیها به طور کلی وجود ندارد. اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبین این معنا است.

آزادی تحصن نیز از قواعد فوق مستثنا نیست و بر این مبنا، می‌توان بر اصل آزادی تحصن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی قرائن و شواهدی ارائه نمود؛ با این حال، برای تحقق آن به صورت قانونی می‌توان شرایطی را ذکر نمود. در واقع شرایط تحصن قانونی و مورد قبول، همان شرایط آزادی اجتماعات است که در اصل بیست‌وهفتم به آن اشاره شده است. شرایط تحصن قانونی در ذیل بیان شده است:

۴-۱- مغل نبودن به مبانی اسلام

قوانین اساسی کشورها که ناشی از اصول ارزشی یک ملت است، به وضوح بیانگر سلسله‌ای از ارزشها و باورهاست. نظر به ابتدای پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بر ایمان به اصول اسلام، انتظار می‌رود که اقدامات مشروع و قانونی احصا شده در قانون، مغل به مبانی اسلام نباشد؛ همچنان که در سایر کشورها، حفظ اصول بنیادین، از شرایط مشروعیت اقدامات است و برای اعمال آزادیها محدودیتهایی لحاظ شده است؛ به عنوان مثال، مقنن در ماده ۸ قانون اساسی آلمان بیان

۱. ر.ک. حبیب‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵۳-۷۸

2. see also: European Court, 2014.

می‌دارد: «همه مردم آلمان حق دارند آرام و غیرمسلح بدون اجازه یا اعلان قبلی، اجتماع کنند، ولی در اماکن عمومی یا فضای آزاد، این حق ممکن است به وسیله قانون محدود شود.» همچنین مقنن در ماده ۱۸ قانون اساسی آلمان تصریح می‌کند: «هرکس از آزادی بیان، به ویژه از آزادی مطبوعات و آزادی اجتماعات، به منظور مبارزه با اساس نظام دموکراسی سوءاستفاده کند، این حقوق اساسی از او سلب خواهد شد.»

به همین مناسبت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست‌وهفتم، ضمن به رسمیت شناختن آزادیهای گروهی، شرط مخل نبودن به مبانی اسلام را گنجانده است.

۲-۴- عدم حمل سلاح

اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی، شرط عدم حمل سلاح را برای اجتماعات برشمرده است. برگزاری اجتماعات باید به نحوی باشد که اعتراض کنندگان بدون اعمال خشونت و ایجاد بی‌نظمی مراتب را اعلام کنند و خواسته‌های خود را به حاکمان برسانند. زمامداران و قدرت عمومی از یک طرف ناگزیر به قبول این اجتماعات و توجه به خواسته‌های معترضان هستند و از طرفی مسئول استقرار نظم و تأمین امنیت به حساب می‌آیند. به همین دلیل، قانونگذار ما برگزاری این اجتماعات را مشروط به عدم حمل سلاح کرده است.

۳-۴- اخذ مجوز یا اطلاع قبلی

هرچند اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی، تنها دو شرط پیشین را در خصوص برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها بیان می‌کند و دکترین حقوقی نیز صرفاً بر اطلاع مقامات حکومتی در مورد تحصن تأکید دارند، لیکن ماده ۴ آئین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی، اخذ مجوز از فرمانداری را نیز اضافه می‌کند. چنانچه پیش از این بیان شد، این سند به صراحت تحصن را زیرمجموعه مراسم قانونی قرار داده است؛ لذا برای برپایی تحصن، لازم است که از فرمانداری مجوز اخذ شود.

۱. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، مبین دو طیف موافق و مخالف قید «اعلام یا اجازه قبلی» در خصوص آزادی اجتماعات است؛ اما پس از جلسات متعدد، اعضای مجلس در نهایت، به این جمع‌بندی می‌رسند که اصل مذکور بدون قید «اعلام یا اطلاع قبلی» به رأی گذاشته شود. سرانجام، اصل بیست‌وهفتم تنها با دو شرط «عدم حمل سلاح» و «مخل نبودن به مبانی اسلام» به تصویب می‌رسد. بر این اساس، افزودن قید و شرط دیگر بر آزادی اجتماعات از سوی قانونگذار عادی، محل اشکال و فاقد وجهت قانونی است.

لزوم اخذ مجوز برای گردهمایی‌ها، از جمله تجمعات، راهپیمایی‌ها، تحصن و غیره، به رویکرد دولت نسبت به نحوه اجرای آزادیهای عمومی در جامعه برمی‌گردد. در سیستم تعقیبی، اصل بر آزادی است؛ افراد در اعمال حقوق و آزادیهای خود نیازی به اخذ مجوز ندارند؛ دولت مانع آزادی نمی‌شود، ولی آنجا که فرد از حدود آزادی مشروع و قانونی خود فراتر رود، تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرد. دولتهای لیبرال بیشتر از این مدل پیروی می‌کنند. در مقابل، برخی کشورها، اعمال حقوق و آزادیهای افراد را موقوف به اجازه قبلی یا اعلام قبلی می‌کنند.

به نظر می‌رسد، نگرش قانونگذار جمهوری اسلامی ایران - و البته نه نگرش قاطبه تدوین‌کنندگان قانون اساسی - به این مسئله، مبتنی بر مدل دوم است. شاهد مثال این مطلب، در خصوص تشکیل انجمن و حزب است که مستلزم کسب مجوز از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب است. به موجب ماده ۴ آئین‌نامه مزبور، برپایی هریک از مراسم قانونی نیازمند کسب اجازه از فرمانداری است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، رژیم حاکم بر تجمعاتی که تظاهر بیرونی ندارد و آنهایی که تظاهر بیرونی دارد، اندکی متفاوت است. مواد ۲ و ۳ دستورالعمل تجمعات به این تفاوت اشاره می‌کند: «برای برگزاری مراسم در مکانهای سرپوشیده یا محصور که تجمع در آنها تظاهر بیرونی ندارد، نیاز به اخذ مجوز ندارد. اما حداقل دو روز قبل از برگزاری مراسم، مراتب باید به استانداری مربوطه اطلاع داده شود؛» «برای تشکیل اجتماعات و سخنرانیها در میداين، پارکها و کلیه نقاطی که تمام یا قسمتی از تجمع، تظاهر بیرونی داشته باشد، باید طبق ماده ۶ قانون احزاب، مجوز کتبی استانداری دریافت شود.»

بر این اساس، هرچند سیستم حاکم بر هر تجمعی در جمهوری اسلامی ایران مطابق با مدل تأمینی است، لیکن تجمعی که در مکان سرپوشیده یا محصور برگزار شود و تظاهر بیرونی نداشته باشد، صرف اعلام، کفایت می‌کند و نیاز به اخذ مجوز ندارد؛ اما، تجمعی که در مکان عمومی با تظاهر بیرونی برگزار شود، نیاز به کسب اجازه از استانداری دارد.

به همین مناسبت، نظر به اینکه به موجب آئین‌نامه چگونگی تأمین، تحصن، در دسته مراسم قانونی گنجانده شده است و به استناد بند (ه) ماده یک دستورالعمل تجمعات، تحصن اگر ماهیت سیاسی داشته باشد، از نظر این دستورالعمل تجمع تعریف می‌شود، باید بیان داشت که تحصن با ماهیت سیاسی، اگر تظاهر بیرونی داشته باشد، نیازمند اخذ مجوز کتبی از استانداری است، اما اگر تظاهر بیرونی نداشته باشد و در مکانهای محصور سرپوشیده برگزار شود، نیاز به اخذ مجوز ندارد.

و صرف اطلاع به استانداری کفایت می‌کند. البته براساس بند (و) دستورالعمل مزبور، اگر تحصن ماهیت غیرسیاسی داشته و از آن نیز استفاده سیاسی نشود، به عنوان مثال، تحصن مذهبی، فرهنگی یا هنری باشد، از شمول دستورالعمل تجمع خارج است و در صورت نیاز به اخذ مجوز باید از طریق مجاری ذیربط مورد اقدام قرار گیرد.^۱ به نظر می‌رسد که امروزه تحصن‌ها اغلب ماهیت سیاسی داشته و قید ماهیت سیاسی به خاستگاه اولیه تحصن و بست‌نشینی باز می‌گردد که به منظور دادخواهی و مصونیت در مکان مقدّسی، بست می‌نشستند.

هرچند دولتها با در اختیار داشتن اقتدار و قدرت خود، می‌توانند محدودیتهایی را برای آزادی و حقوق شهروندان ایجاد کنند، اما توجه به این نکته لازم و ضروری است که، اگر دولت، به دلایل غیرموجه تجمعات را سرکوب یا محدود کند یا اساساً اجازه شکل‌گیری آن‌را ندهد، نه فقط اعتراضات را خاموش کرده، بلکه زمینه شکل‌گیری فرهنگ تجمعات ناصحیح را به شهروندان می‌آموزد؛ چه اگر شهروندان برای اعمال حق قانونی و اساسی خویش برای اعتراض دسته‌جمعی، همواره احساس حمایت دولتی کنند و آن‌را نتیجه‌بخش ببینند، شیوه‌ای صحیح از تجمعات سالم و قانونی را به نمایش می‌گذارند، هرچند مکرر و متوالی باشد؛ در مقابل، در صورت مضایقه دولت از اعطای این حق، تجمعات، غیرقانونی قلمداد خواهد شد و این خود منشأ خشونت فیزیکی شهروندان علیه سخت‌گیری سیاسی دولت خواهد بود. (عالی پور، ۱۳۸۶: ۳۷۰-۳۷۱)

۱. برخی مواد مربوط از دستورالعمل تجمعات به شرح زیر است:

هـ- تجمعاتی که تحت عناوین و اشکال دیگر، نظیر تحصن، همایش یا عناوین مشابه برگزار شود، اما دارای ماهیت سیاسی باشد، از نظر این دستورالعمل تجمع تعریف می‌شود.

و- هرگونه تجمع که دارای ماهیت سیاسی نیست و جنبه فرهنگی، هنری، مذهبی و... داشته باشد، از مفاد این دستورالعمل خارج بوده و در صورت نیاز به اخذ مجوز باید از طریق مجاری ذیربط مورد اقدام قرار گیرد. بدیهی است سازمان ذیربط موظف است در صورت برگزاری مراسم در فضای باز، قبل از صدور مجوز، مراتب را با استانداری هماهنگ نماید تا تمهیدات لازم به عمل آید.

ی- برگزارکنندگان هرگونه تجمع که با عناوین دیگر نظیر فرهنگی، هنری، مذهبی و... برگزار شود، اما از آن استفاده سیاسی به عمل آید، مشمول ماده ۱۵ این دستورالعمل با تبصره ذیل آن خواهند شد.

نتیجه‌گیری

تحصن به معنای اقدام اعتراضی مسالمت‌آمیزی است که تحصن‌کنندگان تا وصول به هدف، در یک مکان خاص می‌نشینند. پیشینه تحصن در حقوق غرب، به مسئله تبعیض نژادی بر می‌گردد؛ در حالی که، در ایران ابتدا به منظور دادخواهی و امروزه به منزله یک اعتراض سیاسی مطرح است. حق بر تحصن، از جمله آزادیهای منفی است که تحقق آن مستلزم عدم ایجاد مانع از طرف دولت است. تحصن با مفاهیمی مانند اجتماعات و تظاهرات تشابه و قرابت دارد. هرچند در مقام مقایسه، میان این مفاهیم و عناصر تحصن تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود، لیکن این تفاوت، جنبه شکلی داشته و مؤثر در ماهیت نیست؛ به عبارتی، مفاهیم اجتماعات، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و تحصن، زیرمجموعه حق بر گردهمایی و آزادی گروهی موقت و غیرنهادی است. مطابق «دیدگاه اعلامی بودن حقوق و آزادی‌های عمومی» در رابطه با حقوق بشر، به فرض که مفهوم حق تحصن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیامده باشد، باز هم این حق، قانونی و مشروع است؛ اما بر اساس رویکرد دستوری به حقوق بشر، لازم است حقوق و آزادیهای عمومی در قوانین ذکر شود؛ در غیر این صورت، قابلیت استناد نخواهد داشت. اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی، به آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها دلالت دارد، اما از واژه تحصن صحبتی به میان نیآورده است. با این وجود، شاهد به کار رفتن واژه تحصن در قوانین عادی و آئین‌نامه‌ها در مجاورت کلماتی مثل تظاهرات و اعتصاب‌ها هستیم. علاوه بر اینکه اصل آزادی شهروندان، در تمتع از حقوق و آزادیهای عمومی که از اصول بنیادین حقوق عمومی است، مُشعر آزادی تحصن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که در هیچ‌یک از قوانین اساسی کشورهای جهان از واژه تحصن یاد نشده، اما در ادبیات حقوقی رایج، حق بر تحصن زیرمجموعه آزادی تجمع و حق بر اعتراض است که هر دوی اینها به نوبه خود، بازگشتی به اصل آزادی بیان دارد. بهره‌مندی از حقوق و آزادیها به نحو مطلق و بدون قید امکان‌پذیر نیست؛ زیرا، با مفاهیمی نظیر نظم عمومی، آزادی دیگران و غیره در تعارض و تراحم قرار می‌گیرد. بر همین مبنا، نظام حاکم بر آزادی تحصن در ایران نیز مشتمل بر شروط و قیودی است. عدم اخلال به نظام، عدم حمل سلاح و لزوم اخذ مجوز از شروط مطرح در این مسئله است.

منابع

الف- فارسی

۱. اسلامی، رضا و کمالوند، محمدمهدی (۱۳۹۳)، «چالشهای آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بینالملل حقوق بشر»، *مجله حقوق بینالملل*، دوره ۳۱، شماره ۵۰، صص ۱۸۷-۲۲۲.
۲. انصاری، مهدی (۱۳۷۶)، *شیخ فضل الله نوری*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ بیست و سوم، تهران: نشر نی.
۴. تنگستانی، محمدقاسم (۱۳۹۱)، *حق اعتصاب کارمندان در بخش عمومی در کشورهای فرانسه، انگلستان و ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۵. تهرانی کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۸)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد ۱، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۷. حبیب نژاد، سید احمد (۱۳۹۵)، «شرایط تحدید حقوق و آزادی ها با تاکید بر نظم عمومی»، *فصلنامه علمی پژوهشی حقوق تطبیقی (نامه مفید)*، شماره ۱۰۵، صص ۵۳-۷۸.
۸. خالصی، عباس (۱۳۶۶)، *تاریخچه بست و بست نشینی*، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. خلخالی، سیدفرید (۱۳۸۳)، «نظم عمومی و آزادی تجمع و تشکل»، *نشریه حقوق اساسی*، شماره ۳، صص ۵۱-۶۴.
۱۰. دو فار، ژان (۱۳۹۱)، *آزادیهای گروهی*، ترجمه علی اکبر گرجی از ندر یانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغتنامه دهخدا*، جلد ۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. صدر افشار، غلامحسین (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی امروز*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۱۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، جلد ۱ و ۳، چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۱۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، *آزادیهای عمومی و حقوق بشر*، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. عالی پور، حسن (۱۳۸۶)، «مدیریت حقوقی اجتماعات اعتراض آمیز»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۶، صص ۳۴۹-۳۸۰.
۱۶. عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و آزادیهای بنیادین*، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

۱۷. عراقی، سید عزت‌الله (۱۳۸۱)، *حقوق کار (۱)*، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
۱۸. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۱)، «قلمرو حق‌ها در حقوق بشر معاصر؛ جهان‌شمولی در قبال مطلق‌گرایی»، *نامه مفید*، دوره ۸، شماره ۳۳، صص ۵-۲۰.
۱۹. گرجی، علی اکبر (۱۳۸۳)، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، *مجله حقوق اساسی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۸-۲۶.
۲۰. معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۱. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادیهای اساسی*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۲۲. هیوود، اندرو (۱۳۸۷)، *کلید واژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی*، ترجمه اردشیر امیرارجمند و سید باسم موالی زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ب- لاتین

23. Cohen, Robert & j.snyder, David (2013). *Rebellion in Black and White; Southern Student Activism in the 1960s*, Baltimor: The Johns Hopkins University Press.
24. *Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly* (2010). published by the OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights, Poland.
25. Heyman, Steven J, (1992), "Positive and Negative Liberty", *Chicago-kent Law Review*, Vol. 68, pp. 81-90.
26. *Longman Advanced American Dictionary* (2007). Pearson Education Limited.
27. *Oxford Advanced Dictionary* (2005). Oxford: Oxford university press.
28. European Court of Human Rights (2014). *Right to Peaceful Assembly*, the Law Library of Congress, Global Legal Research Center.
29. Smith, Don. L, (1971). *the Right to Petition for Redress of Grievances: Constitutional Development and Interpretations*, a Dissertation in Government, Doctor in Philosophy.
30. Waas, Bernd, (2012). *Strike as a Fundamental Right of the Workers and its Risks Conflicting with other Fundamental Rights of the Citizen*, World Congress, Santiago de Chile, General Report III.

ج- قوانین و مقررات

۳۱. آیین نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی مصوب ۱۳۸۱/۷/۷.
۳۲. دستورالعمل تفویض اختیارات وزارت کشور به استانداران در خصوص صدور مجوز برگزاری تجمعات
۳۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۱ و ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ و اصلاحات بعدی به تاریخ ۱۳۶۸/۵/۶.

۲۸ دوفصلنامه حقوق تطبیقی / پیاپی ۱۱۱ / صص ۳-۲۸

- ۳۴ . قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان مصوب ۲۳ مه ۱۹۴۹.
- ۳۵ . قانون اساسی جمهوری فرانسه مصوب ۴ اکتبر ۱۹۵۸.
- ۳۶ . قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵.
- ۳۷ . قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۱۷.
- ۳۸ . قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷.
- ۳۹ . قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲.
- ۴۰ . قانون هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹.
- ۴۱ . میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.